

Part One:

“1000 Key Words”

Session 1: Key Words of Grade 7th & 8th (Words 1 - 100)	6
Session 2: Key Words of Grade 9th (Words 101 - 200)	8
Session 3: Key Words of Grade 10th “ Lesson 1 & 2 ” (Words 201 - 300)	10
Session 4: Key Words of Grade 10th “ Lesson 3 & 4 ” (Words 301 - 400)	12
Session 5: Key Words of Grade 11th “ Lesson 1 ” (Words 401 - 500)	14
Session 6: Key Words of Grade 11th “ Lesson 2 ” (Words 501 - 600)	16
Session 7: Key Words of Grade 11th “ Lesson 3 ” (Words 601 - 700)	18
Session 8: Key Words of Grade 12th “ Lesson 1 ” (Words 701 - 800)	20
Session 9: Key Words of Grade 12th “ Lesson 2 ” (Words 801 - 900)	22
Session 10: Key Words of Grade 12th “ Lesson 3 ” (Words 901 - 1000)	24

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش اول: واژگان کلیدی "پایه هفتم و هشتم" لغات: ۱ تا ۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
ability	توانایی	enough	کافی، به اندازه کافی
ache	درد	example	مثال
activity	فعالیت	excellent	عالی - معرکه
advise	نصیحت	famous	مشهور، معروف
airport	فرودگاه	fever	تب
appearance	ظاهر، قیافه	field	میدان - مزرعه - زمین
average	متوسط - معدل - میانگین	geography	جغرافی
beginning	آغاز - شروع	greeting	سلام و احوالپرسی
blanket	پتو	guess	حدس - حدس زدن
bridge	پل	guest	مهمان
bring	آوردن	height	ارتفاع، بلندی
building	ساختمان	history	تاریخ - تاریخچه
capital	پایتخت - بزرگ - سرمایه	hobby	سرگرمی
cattle	گله	housewife	زن خانه دار
church	کلیسا	imagine	تصور کردن
climb	بالا رفتن	important	مهم، با اهمیت
come back	برگشتن	information	اطلاعات
complete	کامل کردن - تکمیل کردن	interesting	جالب - جذاب
continent	قاره	interview	مصاحبه
correct	درست، صحیح	introduce	معرفی کردن
decide	تصمیم گرفتن	journalist	روزنامه نگار
describe	توصیف کردن	keep away	دور نگه داشتن
different	متفاوت	know	دانستن - شناختن
downtown	مرکز شهر	leave	ترک کردن - گذاشتن - جا گذاشتن
drink	نوشیدن - نوشیدنی	location	موقعیت مکانی
drugstore	داروخانه	look like	شبيه بودن
during	در طی - در خلال	midnight	نصف شب
employee	کارمند	mirror	آینه
engineer	مهندس	month	ماه (تقویمی)
enjoy	لذت بردن	mosque	مسجد

گردآورنده: "جمال احمدی"

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور

لغات: ۶۱ تا ۱۰۰

بخش اول: واژگان کلیدی "پایه هفتم و هشتم"

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
mountain	کوه	stairs	پلکان، پله
nationality	ملیت	stomach	شکم، معده
nearby	نزدیک	suggest	پیشنهاد دادن
northeast	شمال شرقی	sweater	بلوز، پلیور - عرقگیر
pain	درد	temperature	درجه حرارت - تب
palace	قصر، کاخ	thermometer	دماسنج
parents	والدین	Thursday	پنج شنبه
patient	بیمار - صبور	trousers	شلوار
plow	شخم زدن	Tuesday	سه شنبه
position	موقعیت، وضعیت	weather	آب و هوا
prayer	نماز - عبادت - دعا، تقاضا	Wednesday	چهارشنبه
province	استان	what	چه، چه چیز، چکاره
raise	پرورش دادن - افزایش دادن	when	چه زمانی، کی
recite	از بر خواندن - حفظ کردن	where	کجا - جاییکه
secretary	منشی	who	چه کسی - کسیکه
shrine	آرامگاه، مقبره، حرم	whose	مال چه کسی
sneeze	عطسه کردن، عطسه	why	چرا
snowy	برفی	year	سال
sore	درد - زخم، جراحت	yoghourt	ماست
special	ویژه، مخصوص	zucchini	کدو

یادداشت:

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش دوم: واژگان کلیدی "پایه نهم" لغات: ۱۰۱ تا ۱۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
accident	تصادف، سانحه	event	رویداد، حادثه، اتفاق
account	حساب - محاسبه کردن	example	مثال، نمونه - سر مشق
actually	در واقع، در حقیقت	excellent	عالی، محشر
amazing	شگفت انگیز	express train	قطار سریع السیر
ankle	قوزک پا	fantastic	شگفت انگیز، خارق العاده
anniversary	سالگرد	fill out	پر کردن
anthem	سرود - ترانه	firefighter	آتش نشان
ask for	درخواست کردن برای	firework	آتش بازی
at first	در ابتدا	first aids	کمکهای اولیه
attend	شرکت کردن در - رفتن به	generous	بخشنده، سخاوتمند
baggage	چمدان - وسایل سفر	get off	پایاده شدن
because	زیرا، چونکه	get on	سوار شدن
bleed	خونریزی کردن	happen	اتفاق افتادن، روی دادن
board	سوار شدن - تابلو، تخته - هیئت مدیره	hard - working	سخت کوش، پر تلاش
break	شکستن - زنگ تفریح	health	سلامتی، تندرستی
brilliant	خارق العاده، محشر - با استعداد	heart attack	حمله قلبی - سکت قلبی
bruise	کبودی - کبود کردن	help charity	به امور خیریه کمک کردن
burn	سوختن، سوزاندن	helpful	یاری رسان - مفید
celebrate	جشن گرفتن - تجلیل کردن	here you are.	بفرمایید
ceremony	جشن، مراسم، تشریفات	hire	کرایه کردن، کرایه - مزد، اجرت
check in	ثبت نام کردن - نام نویسی کردن	holiday	تعطیلی، روز تعطیل - روز بیکاری
commemorate	گرامی داشتن، ارج نهادن	homework	تکلیف
conversation	مکالمه	hope	امیدوار بودن - امید
course	دوره - کلاس	housework	کار منزل
crash	تصادف	hurry up!	عجله کن
cruel	ظالم - ستمگر	hurt	صدمه دیدن - آسیب رساندن
culture	فرهنگ، تمدن	injury	زخم، جراحت، صدمه
Don't worry	نگران نباش، نگران نباشید	interested in	علاقمند به
envelope	پاکت نامه	international	بین المللی
environment	محیط زیست	just a moment	فقط یک لحظه

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش دوم: واژگان کلیدی "پایه نهم" لغات: ۱۶۱ تا ۲۰۰

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
keep on	ادامه دادن	religious	مذهبی، دین دار، خداپرست
lake	دریاچه	rode	گستاخ، پررو
land	زمین، سرزمین - خشکی	selfish	خودخواه - مغرور
mantle	رو پوش - عبا - ردا	serious	جدی - عبوس، اخمو
member	عضو - اندام، جزء - کارمند	soldier	سرباز
military	ارتشی - نظامی - جنگی	sound	صدا - به نظر رسیدن
nervous	عصبی، عصبانی - مضطرب	stick	چسپیدن - چسپاندن
objects	اشیاء	suitable	مناسب، شایسته، سازگار
pants	شلوار (پارچه ای)	take care of	مراقبت کردن از
pardon	بخشید؟ - بخشیدن	take off	کندن - لحظه برخاستن هواپیما
participate	شرکت کردن، حضور یافتن	take out	بیرون بردن - بیرون کشیدن
pay toll	پرداخت عوارض	think	فکر کردن، گمان کردن
personality	شخصیت	timetable	برنامه زمانی - جدول زمانی
plaster	چسب (زخم) - گچ مالیدن، گچ زدن	together	با هم
pleasant	خوشایند - مطلوب	understand	فهمیدن - درک کردن
polite	مؤدب	upset	غمگین - ناراحت
possible	ممکن - احتمالی	voyage	سفر (دریایی) - سفر کردن
practice	تمرین - تمرین کردن	weigh	وزن کردن - وزن داشتن
receptionist	متصدی پذیرش	wound	زخم، جراحت - زخمی کردن
relative	قوم و خویش، بستگان	wheel	چرخ (دوچرخه و...) - چرخیدن، گرداندن

یادداشت:

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش سوم: واژگان کلیدی "درس ۱ و ۲ پایه دهم" لغات: ۲۰۱ تا ۲۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
abroad	خارج (از کشور)	definition	تعریف
actually	در واقع - در حقیقت	delicious	خوشمزه
against	در مقابل، بر علیه	describe	توصیف کردن - شرح دادن - تعریف کردن
alive	زنده	destroy	نابود کردن، تخریب کردن
all around	در سرتاسر	details	جزئیات
among	ازجمله، (در) میان	die out	منقرض شدن، از بین رفتن
anymore	دیگه، بیش از این	disease	بیماری
appropriate	شایسته، مناسب	divide into	به تقسیم کردن
attack	حمله کردن، یورش بردن	donate	اهدا کردن، بخشیدن
average	میانگین، متوسط - معدل	downward	رو به پائین، به طرف پائین
awful	وحشتناک، خیلی بد	draw	کشیدن، ترسیم کردن
based on	بر اساس، بر طبق	dress	لباس زنانه - لباس پوشیدن
become	شدن، تبدیل شدن	drop	قطره - لکه
blood stream	جریان خون	earth	کره زمین
both	هر دو	endangered	در معرض خطر
brain	مغز	element	عنصر - قسمت
carefully	با دقت	especially	مخصوصاً، به ویژه
carry	حمل کردن، با خود بردن	everywhere	هر جائیکه
choose	انتخاب کردن	exercise	ورزش - تمرین
collect	جمع آوری کردن	expect	انتظار داشتن، توقع داشتن
common	عام، عمومی	expensive	گران
comparative	مقایسه ای - تفضیلی	experience	تجربه، تجربه کردن
compare	مقایسه کردن	expression	عبارت - بیان
consider	در نظر گرفتن	heaven	بهشت - آسمان، عرش
creator	خالق	hint	اشاره - نکته - سر نخ - توصیه
creation	خلقت، آفرینش	however	اما، در هر صورت
cross	عبور کردن	increase	افزایش یافتن
dangerous	خطرناک	injured	مجروح، زخمی
decrease	کاهش یافتن	instead	در عوض، به جای
defend	دفاع کردن	in terms of	از لحاظ - از نظر

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش سوم: واژگان کلیدی "درس ۱ و ۲ پایه دهم" لغات: ۲۶۱ تا ۳۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
intonation	لحن صدا، آهنگ صدا	sign	علامت - تابلو - نشانه - امضاء
irregular	بی نظم - بی قاعده	silk	ابریشم، ابریشمی
lifespan	طول عمر	situation	وضعیت - موقعیت
laugh	خندیدن	strange	عجیب
liquid	مایع	such as	مثل، مانند، همچون
material	ماده - جنس	suitable	مناسب
metal	فلز، فلزی	superlative	- بی نظیر - (صفت) برترین عالی
neighbor	همسایه	take care of	مراقبت کردن از
nowadays	امروزه، این روزها	terrible	وحشتناک - خیلی بد - افتضاح
observatory	رصد خانه	things	اشیاء، وسایل
opinion	عقیده - نظر	think about	فکر کردن درباره
pay attention to	توجه کردن به	thousand	هزار
plain	دشت، جلگه - واضح، آشکار	underline	زیر چیزی خط کشیدن
planet	سیاره	unscramble	مرتب کردن
protection	محافظت، پاسداری	upward	به طرف بالا، رو به بالا
recently	اخیراً، به تازگی	without	بدون
schedule	برنامه	voluntary	داوطلبانه
seafood	غذای دریایی	wonder	شگفتی - حیرت - اعجاز
shark	کوسه	wooden	چوبی
sick	بیمار، مریض	woolen	پشمی

یادداشت:

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش چهارم: واژگان کلیدی "درس ۳ و ۴ پایه دهم" لغات: ۳۰۱ تا ۳۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
ancient	باستانی، قدیمی	flight	پرواز
arrive	وارد شدن - رسیدن	foreigner	بیگانه، اجنبی، غریبه، خارجی
ashamed	شرمنده، خجالت زده	forgetful	فراموشی
attractive	جذاب	fortunately	خوشبختانه
author	نویسنده	get around	پخش شدن - شایع شدن
behavior	رفتار	give up	تسلیم شدن - رها کردن
believe	باور داشتن، ایمان داشتن	grave	گور، قبر
booklet	دفترچه، کتابچه، جزوه	heavily	به شدت، به سنگینی
bravery	شجاعت، دلیری	historian	تاریخ نویس، تاریخ دان، مورخ
comfortable	راحت، آسوده	historical	تاریخی
carry out	انجام دادن	honestly	صادقانه
cradle	گهواره - مهد	hospitable	مهمان نواز
cruelty	بی رحمی، ظلم، ستم، بیداد	illness	بیماری، ناخوشی
cultural	فرهنگی	in front of	روبروی، در جلوی
description	توصیف	international	بین المللی
desert	بیابان - ترک کردن	invention	اختراع
destination	مقصد - سرنوشت، تقدیر	journey	سفر، مسافرت، سیاحت
destructive	مخرب، ویرانگر	junk food	غذای بی ارزش، هله هوله
distance	فاصله - مسافت	knowledge	دانش، علم آگاهی
domestic	داخلی - اهلی، خانگی	laboratory	آزمایشگاه
education	آموزش - تحصیل	language	زبان
Egyptian	مصری - اهل کشور مصر	local	محلی، بومی
embassy	سفارت، سفارتخانه	manner	حالت، شیوه، روش
emotional	احساسی، عاطفی	medicine	دوا، دارو پزشکی
emphasis	تأکید - تکیه - اصرار	ministry	وزارت
entertainment	سرگرمی	mostly	عمدتاً، اساساً
exactly	دقیقاً	narrator	نقل کننده، راوی، روایت کننده
experienced	با تجربه	noisy	پر سر و صدا، شلوغ
experiment	آزمایش	novel	رمان، داستان بلند
familiar	آشنا	obligation	اجبار

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش چهارم: واژگان کلیدی "درس ۳ و ۴ پایه دهم" لغات: ۳۶۱ تا ۴۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
painful	دردناک	remember	به یاد آوردن
paradise	بهشت	respect	احترام، احترام گذاشتن
pass away	فوت کردن، مردن، از دنیا رفتن	scientist	عالم، دانشمند
peace	آرامش - صلح	seek	- گشتن به دنبال جستجو کردن
pilgrim	زائر، مسافر (مذهبی)	seem	به نظر رسیدن
point	نکته - نقطه - امتیاز، نمره	shrine	آرامگاه - مرقد
popular	محبوب، پر طرفدار	similar	مشابه، مانند
possibly	شاید، احتمالاً	solution	راه حل
prefer	ترجیح دادن	successful	موفق، کامیاب
preposition	حرف اضافه	souvenir	سوغاتی، یادگاری
price	قیمت، بها، نرخ	thought	فکر، تفکر
prize	جایزه، پاداش	tradition	سنت، آئین، رسم
probably	احتمالاً، شاید	traditional	سنتی، قدیمی
prophet	پیامبر، پیغمبر، نبی	translation	ترجمه
publish	منتشر کردن - چاپ کردن	transportation	حمل و نقل
put aside	کنار گذاشتن	universe	جهان، دنیا
pyramid	هرم	until	تا، تا اینکه
range	حدود، محدوده، دسته، طیف	value	ارزش، بها، قیمت
rather	نسبتاً	whereas	در حالیکه، نظر به اینکه، از آنجائیکه
refinery	پالایشگاه	waste	هدر دادن، تلف کردن - آشغال، زباله

یادداشت:

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش پنجم: واژگان کلیدی "درس ۱ پایه یازدهم" لغات: ۴۰۱ تا ۴۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
absolutely	کاملاً ، قطعاً	exchange	مبادله کردن، عوض کردن
access	دسترسی، دستیابی - اضافی	explanation	توضیح
actually	در واقع	exist	وجود داشتن، هستی داشتن
additional	اضافی	fear	ترس، وحشت - ترسیدن از
admit	پذیرفتن ، اجازه دادن	firmly	محکم، ثابت
afraid	ترسیدن، نگران بودن	frequently	اغلب، پی در پی ، به طور مکرر
at least	حداقل	furniture	اسباب ، وسایل
available	موجود، در دسترس	grade	نمره - درجه، کلاس
belong	تعلق داشتن به، وابسته بودن به	happiness	خوشحالی، خوشبختی
besides	به غیر از، علاوه بر	host	میزبان، مجری تلویزیونی
broadcast	پخش (برنامه تلویزیونی و...)	institute	مؤسسه
borrow	قرض گرفتن	intent	قصد، تمایل
carelessness	بی فکری ، بی توجهی	jewelry	جواهر فروشی
cement	سیمان	lie	دروغ گفتن
century	قرن	make up	تشکیل دادن، آرایش کردن، اصلاح کردن
certainly	قطعاً ، مسلماً	master	یادگرفتن، مسلط شدن، استاد
chalk	گچ	means	وسیله، ابزار
communicate	ارتباط برقرار کردن	measure	اندازه گیری کردن
communication	ارتباط	mental	ذهنی
confident	مطمئن	mention	بیان کردن، ذکر کردن
continuously	پیوسته ، همیشگی	notice	توجه
deaf	کر، ناشنوا	patience	صبر
despite	علی رغم - با وجود ، با اینکه	percent	درصد
development	توسعه، پیشرفت	period	نقطه - دوره زمانی
disappear	ناپدید شدن	physical	جسمی ، بدنی
doubt	شک داشتن	population	جمعیت
dust	گرد و غبار	predictive	قابل پیش بینی
entirely	کاملاً	promise	قول دادن
equipment	تجهیزات	quiet	ساکت، آرام، بی صدا
escape	فرار کردن، گریختن	quit	ترک کردن

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش پنجم: واژگان کلیدی "درس ۱ پایه یازدهم" لغات: ۴۶۱ تا ۵۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
range	امتداد داشتن - در نوسان بودن	surprising	تعجب آور - شگفت انگیز
reach	رسیدن به ، دست یافتن	survive	زنده ماندن، بقا یافتن
ready	آماده - حاضر	syllable	هجاء بخش (کلمه)
receive	بدست آوردن، دریافت کردن	synonym	هم معنی - مترادف
run	دویدن، اداره کردن	therefore	بنابراین
scan	نگاه سریع انداختن	through	از طریق - از میان ، از وسط
sand	شن	tiny	کوچک، ریز
sign language	زبان اشاره	toothpaste	خمیر دندان
salt	نمک	training	آموزش، تعلیم
simply	به سادگی	transfer	انتقال دادن
slice	تکه - قاچ ، برش	translator	مترجم
smart	باهوش، زرنگ	twice	دو بار
society	جامعه، اجتماع	vary	تغییر دادن، نوسان کردن، عوض کردن
specific	ویژه، خاص	vocabulary	واژگان
steam	بخار ، بخار آب	willing	مایل، مشتاق
step	مرحله ، قدم	wish	آرزو
straight	مستقیم ، راست	wrestler	کشتی گیر
strong	قوی	wrestling	کشتی گرفتن
suffer from	رنج بردن از	written	کتبی، نوشتاری
surf	گشتن در (اینترنت)	wrongly	به اشتباه، غلط

یادداشت:

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش ششم: واژگان کلیدی "درس ۲ پایه یازدهم" لغات: ۵۰۱ تا ۵۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
addictive	اعتیادآور	excellent	عالی ، محشر
addiction	اعتیاد	exciting	هیجان بر انگیز
anti-cancer	ضد سرطان	flat	مسطح ، هموار، آپارتمان - پنجر
as soon as	به محض اینکه	flight	پرواز
attend	شرکت کردن، حضور یافتن در	forbidden	ممنوع، قدغن
avoid	خودداری کردن - اجتناب کردن	frequency	تکرار
balanced	متوازن - متعادل	function	عملکرد ، کاربرد
blood pressure	فشار خون	gain	به دست آوردن، کسب کردن
briefly	به طور خلاصه. مختصر	get away	فرار کردن - ترک کردن
calm	آرام، خونسرد	habit	عادت
civil war	جنگ داخلی	hang out	وقت گذراندن
claim	ادعا کردن، مطالبه کردن	harmless	بی ضرر
complex	پیچیده	heartbeat	ضربان قلب
conditions	شرایط	hobby	سرگرمی
confuse	گیج کردن	homeless	بی خانمان
contain	شامل بودن ، در بر داشتن	hurry up	عجله کردن
couch potato	معتاد تلویزیون	identification	شناسایی
crowded	شلوغ - پر جمعیت	improve	بهبود بخشیدن
cure	معالجه کردن ، درمان کردن	include	شامل بودن ، در بر داشتن
death	مرگ	influence	تحت تاثیر قرار دادن
defend	دفاع کردن از، حمایت کردن	invitation	دعوت
definition	تعریف، معنی - مشخصات	join	پیوستن ، ملحق شدن، متصل شدن
depressed	نا امید	junk food	غذای ناسالم ، هله هوله
details	جزئیات	laughter	خنده
diet	رژیم غذایی	limit	محدود کردن ، منحصر کردن
disagree	مخالفت کردن	look after	مراقبت کردن از
disorder	بی نظمی ، ناهماهنگی	marriage	جشن ازدواج، ازدواج
drug	دارو ، مواد مخدر	medical	پزشکی
effective	مؤثر	midterm	میان ترم
enable	قادر ساختن	miracle	معجزه

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش ششم: واژگان کلیدی "درس ۲ پایه یازدهم" لغات: ۵۶۱ تا ۶۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
mission	مأموریت	return	برگشتن، برگرداندن
necessary	لازم، ضروری	secret	راز، رمز
ocean	اقیانوس	serious	جدی، عبوس، اخمو
particularly	به ویژه، مخصوصاً، منحصرأ	serving	پرس (غذا)
partly	تا حدی ، نسبتأ	social	اجتماعی
perfect	عالی، کامل ، تمام	social services	خدمات اجتماعی
plain	دشت. جلگه - ساده ، آشکار	socialize	معاشرت کردن - اجتماعی کردن
predict	پیش بینی کردن	speech	گفتار، سخن
preposition	حرف اضافه	specialist	متخصص، کارشناس
pressure	فشار	stage	مرحله - صحنه
prevent	جلوگیری کردن، خودداری کردن	steal	دزدیدن
produce	تولید کردن	take part in	شرکت کردن در
production	تولید	taste	مزه ، بو کردن
proportion	نسبت	title	عنوان - لقب، مقام
properly	به درستی	topic	موضوع، عنوان، سر فصل
rarely	به ندرت	towards	به طرف، به سوی، نسبت به
reality	واقعیت	trouble	مشکل، درد سر، زحمت
reason	دلیل، علت	variety	تنوع، گوناگونی
recreational	تفریحی، سرگرمی	watch out	مراقب بودن
retired	بازنشسته	worthy	ارزشمند، شایسته، سزاوار

یادداشت:

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش هفتم: واژگان کلیدی " درس ۳ پایه یازدهم " لغات: ۶۰۱ تا ۶۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
accept	قبول کردن، پذیرفتن	crime	جرم، جنایت
according to	بر طبق، بر اساس	crossroad	چهار راه، تقاطع
achieve	بدست آوردن	customer	مشتری، خریدار
actually	واقعاً	decorative	تزیینی، دکوری
amazed	حیران، متعجب	decrease	کاهش یافتن، کاستن
amused	سرگرم	delay	به تأخیر انداختن - تأخیر، درنگ، تعلل
antonym	متضاد	depend on	بستگی داشتن
artifact	دست ساز، مصنوعی	depressed	افسرده، دل‌تنگ، غمگین
artistic	هنرمندانه، هنری	discount	تخفیف - تخفیف دادن
artwork	کار هنری	diversity	تنوع، گوناگونی
attempt	تلاش کردن، سعی، کوشش	earn	به دست آوردن، کسب کردن
attitude	نگرش، گرایش	earthquake	زلزله
aware	آگاه، مطلع، با خبر	economy	اقتصاد
be able to	قادر بودن، توانستن	essay	مقاله، انشاء - تحقیق
bite	گاز گرفتن	excited	هیجان زده
blame	مقصر دانستن - سرزنش کردن	expect	انتظار داشتن، توقع داشتن
bleed	خون ریزی کردن	fingerprint	اثر انگشت
blow	وزیدن - دمیدن - ضربت	former	قبلی، پیشین، سابق
booklet	دفترچه، کتابچه	frightened	ترسیده
bow	تعظیم کردن	frightening	ترسناک
calligraphy	خوشنویسی	get along with	تفاهم داشتن، سازش کردن
carpet	فرش	handicrafts	صنایع دستی
collection	مجموعه	homeland	وطن، سرزمین
combination	ترکیب	performer	مجری، اجرا کننده، بازیگر، ایفا کننده
confidence	اعتماد، اطمینان	How touching!	چقدر تاثیر گذاره
confused	گیج	hug	در آغوش گرفتن
confusing	گیج کننده	humankind	بشر، انسان
countryside	حومه شهر	imagination	تصور، خیال
craft	مهارت، فن - صنعت	income	درآمد، عواید - جدیدالورود، ورودیه - ظهور
creative	ابتکاری، خلاقانه	inflexible	غیر قابل انعطاف

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش هفتم: واژگان کلیدی "درس ۳ پایه یازدهم" لغات: ۶۶۱ تا ۷۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
insist on	اصرار کردن، پا فشاری کردن بر روی	rug	قالی، قالیچه
instead	به جای، در عوض	sadly	متأسفانه، بدبختانه
metalwork	فلزکاری	satisfied	راضی، خوشنود
mistake	اشتباه، خطا، غلط	science	علم، علوم، دانش
moral	اخلاقی، معنوی - معنی، مفهوم	separate	جدا کردن - جدا، مجزا، جداگانه
opposite	مخالف، ضد، متناقض	skillful	ماهر، استادکار
poetry	شعر و شاعری	sociable	خوش مشرب، اجتماعی(انسان)
pottery	سفالگری، کوه گری، ظروف سفالی	strength	استحکام، قدرت
private	خصوصی، محرمانه، شخصی - سرباز	task	وظیفه، مسئولیت، تکلیف
proud	سربلند - مغرور - مفتخر	throw	پرتاب کردن، انداختن، پرتاب
public	عمومی، همگانی	tilework	کاشی کاری
radiation	تابش، پرتو، تشعشع، رادیواکتیویته	totally	به طور کامل
reasonable	معقول، مناسب	truth	حقیقت، راستی، درستی
recognize	شناختن، دانستن - قدردانی کردن از	unemployment	بیکاری، عدم اشتغال
reference	مرجع، مأخذ، منبع، مراجعه، رجوع	unique	منحصر به فرد، خاص
reflect	منعکس کردن، انعکاس دادن	vast	بزرگ، وسیع
refrigerator	یخچال	weave	بافتن
refuse	نپذیرفتن، رد کردن	well-known	مشهور، معروف
require	نیاز داشتن، لازم دانستن	workshop	کارگاه
result	نتیجه، پیامد، حاصل، اثر	worry about	نگران بودن درباره

یادداشت:

گردآورنده: "جمال احمدی"

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور

بخش هشتم: واژگان کلیدی "درس ۱ پایه دوازدهم" لغات: ۷۰۱ تا ۷۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
accidental	تصادفی	care for	مراقبت کردن از، علاقه داشتن به
addition	جمع، اضافه، افزوده، چیز افزوده	collocation	هم نشینی، ترکیب، همآیند
advise	نصیحت کردن، توصیه کردن	combine	ترکیب کردن، ترکیب شدن
advisement	مشورت، تأمل	complain	شکایت کردن، گلایه کردن
advisor	مشاور، رهنما - معاون	compound	مرکب، ترکیبی، مخلوط، ترکیب
agreement	توافق، موافقت، پذیرش، قرارداد	comprehension	درک مطلب - فهم، ادراک
after a while	بعد از مدتی	concern	دغدغه، نگرانی، تشویش
along with	به علاوه، افزون بر، و - همراه با	confirm	تائید کردن، ثابت کردن، تصدیق کردن
although	اگرچه، با اینکه	custom	رسم، سنت، عرف - گمرک، حقوق گمرکی
analyzer	تحلیل کننده، تحلیل گر	dedicated	متعهد - وقف شده - (رایانه) اختصاصی
anniversary	سالگرد، جشن سالگرد	detective	کاراگاه (پلیس)، بازرس، مفتش
appreciation	قدردانی، درک، فهم، برآورد، ارزیابی	diary	دفتر خاطرات، دفتر یادداشت، سررسیدنامه
article	مقاله - ماده قانون - شیئی، اسباب، چیز	discover	کشف کردن، پی بردن، پیدا کردن
as well as	همچنین	distinguish	تشخیص دادن، متمایز کردن
at last	سرانجام، در نهایت	distinguished	برجسته، ممتاز، سرشناس، متین
authority	صلاحیت، اختیار - معتبر، منبع موثق	deserve	استحقاق داشتن، سزاوار (چیزی) بودن
babysitter	پرستار بچه	divorce	طلاق، جدایی
because of	به خاطر	documentary	مستند، مستدل، سند دار، مدرکی
bless	دعا کردن، مبارک خواندن، تقدیس کردن	duty	وظیفه، کار، خدمت، تکلیف
blessing	رحمت، برکت، دعای خیر، نعمت، حمایت	effortless	بدون تلاش، آسان، ساده
boost	بالا بردن، افزایش دادن، تقویت کردن، حمایت	either ... or	یا، هر یک (از دو)
bother	آزار، اذیت، در دسر	elicit	بیرون کشیدن به دست آوردن، باعث شدن
bring up	تربیت کردن، بزرگ کردن، مطرح کردن	enjoyable	لذت بخش، مطبوع، خوشایند
broken- heart	دلشکسته، نا امید	ethic	اخلاق، اخلاقیات، اصول اخلاقی
burst	ترکیدن، منفجر شدن، ناگهان (طوری) شدن	evidence	مدرک، گواهی، دلیل - شاهد، گواه
businessman	تاجر	expert	متخصص، کارشناس
by heart	از حفظ	forgive	بخشیدن، عفو کردن
by the way	راستی، به هر حال	found	تأسیس کردن، ایجاد کردن، ساختن
calmly	آرام، راحت، به آرامی، آهسته	failure	شکست، سقوط
capable of	قادر بودن به	generation	تولید، نسل

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآوری: "جمال احمدی"

بخش هشتم: واژگان کلیدی "درس ۱ پایه دوازدهم" لغات: ۷۶۱ تا ۸۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
guideline	رهنمود، توصیه دستور العمل	punish	تنبیه کردن، مجازات کردن
grateful	سپاسگذار، متشکر، خوشحال	rather than	به جای، به جای اینکه
handle	کنترل کردن، از عهده برآمدن، حمل کردن	regard	تلقی کردن، نگرستن به، توجه، احترام
hence	(از حالا) بعد، دیگر، بنابراین	release	رها کردن، آزاد کردن، ترشح کردن
heritage	میراث	religious	دینی، مذهبی، مؤمن
honor	آبرو، گرمی داشتن، افتخار، احترام	repeatedly	بارها، بارها و بارها، به کرات
immoral	غیر اخلاقی، بد اخلاق، فاسد، بد سیرت	replace	جایگزین کردن، سر جای خود گذاشتن
inappropriate	ناقص، ناتمام	responsibility	مسئولیت، وظیفه
inspiration	الهام، منبع الهام	rubbish	آشغال، زباله، چیز بی ارزش
judge	قاضی - قضاوت کردن	salary	حقوق، دستمزد
lawyer	وکیل	substance	ماده اصلی، جنس، جسم، شیء، ذات
meaningful	با معنی، معنی دار	teenager	نوجوان
ordinary	معمولی، عادی	temperature	درجه ی حرارت، دما، حرارت بدن، تب
physician	پزشک، طبیب	thus	بدین ترتیب، بنابراین، این طور، این جور
pigeon	کبوتر	tools	ابزار، وسیله، لوازم
pity	ترحم، دلسوزی، جای تأسف	trustworthy	قابل اعتماد، درستکار
principle	اصل، قاعده، اصل اخلاقی	unconditionally	بدون قید و شرط
process	فرآیند، جریان، روند، روش	vase	گلدان
provide	تأمین کردن، تهیه کردن، در اختیار قرار دادن	warn	هشدار دادن، اخطار دادن
psychologist	روانشناس	wealthy	ثروتمند

یادداشت:

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش نهم: واژگان کلیدی "درس ۲ پایه دوازدهم" لغات: ۸۰۱ تا ۸۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
abbreviation	مخفف، اختصار	effectively	به طور موثر
accurately	به درستی، به دقت، به طور صحیح	element	عنصر-عامل
admission	پذیرش، قبول - تصدیق، اجازه ورود	elementary	سطح مقدماتی
application	برنامه - کاربرد	entry	مدخل، ورود، فقره، قلم
argue	جر و بحث کردن، استدلال کردن	escape	فرار کردن، گریختن
arrange	تنظیم کردن - مرتب کردن	essential	حیاتی - ضروری
arrangement	ترتیب، نظم - آرایش - برنامه	examine	امتحان کردن، آزمایش کردن، معاینه کردن
astronaut	فضانورد	expand	گسترش دادن، توسعه دادن
basement	زیر زمین	facial muscles	ماهیچه های صورت
battle	نبرد، جدال، رزم، ستیز، نزاع، جنگ	factor	عامل - فاکتور
behind	پشت، عقب، بعد از	fame	شهرت، آوازه
bilingual	دو زبانه	familiar	آشنا، خودمانی
biography	زندگی نامه	female	زنانه
biology	زیست شناسی	figure out	فهمیدن-درک کردن
can't afford	توانایی مالی نداشتن، استعانت مالی نداشتن	gentle	نجیب، با تربیت، مهربان
capability	توانایی، قدرت، صلاحیت، قابلیت	goods	کالاها
changeable	متغیر، قابل تغییر	habit	عادت
circumstance	محیط، پیرامون	highlight	برجسته کردن
clue	سرنخ، اثر، نشان، راهنما	huge	عظیم، خیلی بزرگ
commercial	تجاری - بازرگانی	immediately	فوراً، بلافاصله
competition	رقابت، مسابقه	in advance	از پیش، از قبل، پیشاپیش
compile	گردآوری کردن - تدوین کردن	in contrast to	در مقایسه با
complicated	پیچیده - سخت	infection	عفونت، آلودگی - بیماری
comprehensible	فهمیدنی - قابل فهم	in order to	به منظور، تا اینکه
contain	دربر گرفتن - شامل شدن	intermediate	سطح متوسط
convert	تبدیل کردن	introduction	مقدمه، معرفی، پیش درآمد
deal with	پرداخت به، مشغول بودن به	invisible	نامرئی - مخفی، پنهان
design	طراحی کردن	issue	مسئله - موضوع
device	وسیله، دستگاه - اختراع	in contrast to	در مقایسه با
drought	خشک سالی	jump into	پریدن - پریدن به - نادیده گرفتن

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش نهم: واژگان کلیدی "درس ۲ پایه دوازدهم" لغات: ۸۶۱ تا ۹۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
keep in touch	در تماس بودن، ارتباط داشتن	stand for sth	نماینگر...چیزی بودن
keep to oneself	ساکت بودن، تو لاک خود بودن	stick in mind	در ذهن فرو رفتن
magnify	بزرگنمایی کردن - بزرگ کردن	superhuman	ابر انسان - فوق انسانی
minor	جزئی - کم اهمیت	surrounding	اطراف - محیط، پیرامون
monolingual	یک زبانه	sweet	دسر - شیرین
point of view	دیدگاه، نقطه نظر	symbol	نماد، نشان، مظهر
pollution	آلودگی	temporary	موقتی، زودگذر
previous	پیشین، سابق	throughout	سرتاسر
primarily	در اصل - عمدتاً	treasure	گنجینه، خزانة، گنج
pulse	ضربان، تپش، ضربه، پالس، نبض	tsunami	سونامی، طوفان شدید
pure	خالص، پاک	unexpectedly	به طور غیر منتظره
purpose	هدف، مقصد، منظور	unpredictable	غیر قابل پیش بینی
race	مسابقه، نژاد	unsystematically	بدون قاعده
recommendation	توصیه، سفارش	usefulness	سودمندی، مفید بودن
rely on	متکی بودن به، وابسته بودن به	veterinarian	دامپزشک
repair	تعمیر کردن	violation	خشونت، تخطی، تخلف، تجاوز، نقض
reproduce	تولید مثل کردن	volume	جلد - حجم - درجه صدا
resource	منبع	whole	تمام، کل، همه
resume	خلاصه تجربیات، چکیده کلام، ریزومه	wingless	بدون بال
scavenger	لاشخور	wisely	به طور عقلاانه

یادداشت:

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش دهم: واژگان کلیدی "درس ۳ پایه دوازدهم" لغات: ۹۰۱ تا ۹۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
absence	غیبت - فقدان	electricity	برق، نیروی برق
absorb	جذب کردن، مجذوب شدن - تحلیل کردن	equivalent	برابر، مشابه - متعادل، یکسان
air conditioner	دستگاه تهویه هوا	except	به جزء، به غیر از
alcoholic	الکلی، حاوی الکل	exclamation	علامت تعجب - حرف ندا - فریاد، بانگ
alternative	جایگزین، جانشین - پیشنهاد، گزینه	feather	پر (پرنندگان و حشرات و...)
annual	سالانه، یک ساله	fitness	تناسب اندام - سازگاری
apologize	معذرت خواهی کردن	flashlight	چراغ قوه
application	تقاضا نامه، درخواست - ضمیمه	force	نیرو، اجبار - مجبور کردن
apply for	نام نویسی کردن برای	forever	برای همیشه
arrangement	قرار - (جمع) مقدمات	fossil fuel	سوخت فسیلی
awareness	هوشیاری، آگاهی	garbage	آشغال - زباله
basis	اساس - اصل	global	جهانی، سراسری
chemist	شیمیدان - دارو ساز	global warming	گرمایش جهانی
circulation	گردش، جریان، دوران	gradually	به تدریج - کم کم
client	مشتری - موکل	hydropower	نیروی برق آبی
climate	شرایط آب و هوایی	I'm afraid	شرمندم، متأسفم
component	جزء سازنده، اجزاء، مؤلفه، قسمت	impression	اثر - احساس، ادراک، گمان - عقیده
conclude	نتیجه گرفتن - تمام کردن	initial	ابتدایی، آغازین، نخستین
consist of	تشکیل شدن از	innovation	نوآوری، ابداع
consume	مصرف کردن - از پا افتادن، تحلیل رفتن	involve	شامل بودن، در برداشتن
convert	تبدیل کردن - وارونه کردن	kinetic	جنبشی - وابسته به حرکت
community	جامعه، اجتماع	landfill	محل دفن زباله - گورستان زباله
convince	قانع کردن، راضی کردن، متقاعد کردن	leader	رهبر - راهنما
cooperate	همکاری کردن، با هم کار کردن، همدستی	likelihood	احتمال
decade	دهه (ده سال)	marketplace	بازار، میدان فروش کالا
delivery	تحویل - تسلیم، رهایی	mixed up	قاطی کردن، گیج شدن
demand	تقاضا - نیاز	nonrenewable	تجدید ناپذیر
digest	هضم کردن - فهمیدن	nuclear	هسته ای - اتمی
disability	معلولیت - نقص	obey	اطاعت کردن - پیروی کردن
dread	ترس، بیم، وحشت، ترسیدن از	overcome	غلبه کردن - چیره شدن

۱۰۰۰ واژه پرتکرار و کلیدی کنکور گردآورنده: "جمال احمدی"

بخش دهم: واژگان کلیدی "درس ۳ پایه دوازدهم" لغات: ۹۶۱ تا ۱۰۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
permanently	به طور پایدار، ماندگار	string	رشته، نخ، ریسمان
politics	سیاست	structure	ساختار- ترکیب
portable	قابل حمل	sunlight	نور خورشید
practical	عملی - مفید	supply	فراهم کردن
principal	مدیر- اصلی	sweaty	خیس عرق
proverb	ضرب المثل	take a note	نکته برداری کردن
reduce	کم کردن، پائین آوردن	take in	جذب کردن - به داخل کشیدن
remind	یادآوری کردن	tendency	تمایل، میل، استعداد، علاقه - گرایش
renewable	تجدید پذیر	throughout	سراسر، تماماً، به کلی
resource	منبع - ذخیره	tide	جزر و مد - موج
review	مرور کردن	track	مسیر، راه، راه آهن، رد پا، اثر
revolve	چرخیدن، گردش کردن، دور زدن	track and field	ورزش دومیدانی
running water	آب جاری - آب تصفیه شده	truck	کامیون
screen	صفحه، صفحه تصویر	turn	چرخیدن - نوبت
select	انتخاب کردن	use up	به طور کامل مصرف کردن، تمام کردن
shiny	درخشان، تابناک، براق	videophone	تلفن تصویری
solar panel	صفحه خورشیدی	visible	مرئی، آشکار، قابل رؤیت
spoil	خراب کردن - لوس کردن	warning	هشدار، اخطار
stable	اصطبل، طویله - استوار، ثابت	whether	که آیا - چه - خواه
stove	اجاق گاز	work out	خوب از آب در آمدن - حل کردن

یادداشت:
